

راهبردهای امام خمینی + در مدیریت دفاع مقدس

حسین ارجینی*
زهرا عبداللهی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران که برخلاف خواست قدرت‌های سلطه‌گر به پیروزی رسید، از همان آغاز با انواع توطئه‌های براندازانه مواجه شد. اما با رهبری امام خمینی و حضور مردم انقلابی این توطئه‌ها نقش بر آب شد. وقتی قدرت‌های سلطه‌گر نتوانستند مسیر انقلاب را تغییر دهند، سعی کردند از طریق برپایی جنگ تحمیلی از طریق فردی چون صدام، این انقلاب را از بین ببرند. نوشتار پیش رو درصدد یافتن راهبردهای بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی + در مدیریت جنگ تحمیلی می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است که نقش مدیریت آن حضرت در دفاع مقدس مورد بررسی قرار گیرد؛ آن حضرت با راهبردهایی مانند: نظارت و اشراف اطلاعاتی به امر جنگ، نظارت بر عملکرد کارگزاران و مطبوعات، رعایت اصول تصمیم‌گیری، مقابله با عوامل بازدارنده داخلی، پشتیبانی معنوی و فرهنگی رزمندگان و... توانستند جنگ تحمیلی را مدیریت کرده و دشمنان را در دست‌یابی به اهدافشان ناکام گذارند.

واژگان کلیدی

امام خمینی +، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، راهبردها، جمهوری اسلامی.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران، آمریکا که منافع خود را در این کشور

arjini4@gmail.com

abasaleh.mahdi1986@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

*. استادیار دانشگاه معارف اسلامی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۳

از دست‌رفته می‌دید، با کمک عوامل خود و به‌منظور سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و بازگرداندن مطامع نامشروع خود، به اقداماتی مانند: غائله گنبد، انفصال کردستان از ایران، به آشوب کشاندن کردستان و ... دست زد که بیداری و هوشیاری ملت ایران، باعث شکست این اقدامات و طرح‌ها شد. آمریکا پس از شکست در این اقدامات، برنامه دیگر خود را که تدارک جنگ علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود، به اجرا گذاشت.

شرایط آن روز جهان مبنی بر موازنه قدرت بین شرق و غرب، مانع از اقدام یکجانبه آمریکا گردید و از سوی دیگر افکار عمومی جهان که با فعالیت‌های امام خمینی ره در فرانسه و حوادث پس از انقلاب و مسائل ایران و مظلومیت و حقانیت این ملت آشنا بودند، نوعی همدلی با مردم ایران داشتند و از این جهت شرایط برای توجیه لشکرکشی مستقیم آمریکا فراهم نبود و شرایط سیاسی متزلزل به رژیم‌های حاکم بر حاشیه خلیج فارس نیز اجازه چنین اقدامی را نمی‌داد. انتخاب عراق با توجه به روحیه قدرت‌طلبی صدام و خصومت‌های مرزی گذشته دو کشور، انتخاب بسیار حساب‌شده‌ای بود. به‌هرحال ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ تجاوز گسترده نظامی خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتری مرز مشترک، از شمالی‌ترین نقطه مشترک با مرز ایران تا بندر خرمشهر و آبادان در جنوب ایران آغاز کرد.

این حادثه با سکوت مرگبار تمامی مجامع بین‌المللی و قدرت‌های مطرح جهان همراه بود. این سکوت معنی‌دار، خصومت کینه‌توزانه همه این قدرت‌ها با جمهوری اسلامی، واقعیت‌های موجود در داخل کشور و توان گسترده نظامی به‌کارگرفته شده از سوی بعثی‌ها، شرایطی را بس دشوار برای تصمیم‌گیری پدید آورد.

ایران در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار گرفته بود و دو راه بیشتر پیش‌رو نداشت: یا تصمیم به مقاومت در جنگی نابرابر با ابعاد و دورنمایی تیره و مبهم و یا تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آمریکا و پناه بردن به او برای واداشتن صدام به عقب‌نشینی و در نهایت دست کشیدن از انقلاب و اسلام.

اما این شرایط با همه دشواری‌هایش کوچک‌تر از آن بود که حضرت امام ره را در تشخیص وظیفه، دچار دغدغه و تردید سازد. با توجه به مفهوم راهبرد که به معنای طرحی به‌منظور هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به هدف است؛ (صلح‌جو، ۱۳۸۴: ۲۲) امام ره با روحیه مبارزه و جهادی، نظارت و هدایت امر دشوار دفاع طولانی و هشت‌ساله را با مدیریتی کم‌نظیر آغاز نمود و طی آن با راهبردهای مناسبی به مدیریت دفاع مقدس پرداخت که به مهم‌ترین آنها خواهیم پرداخت.

رژیم‌شناسی و مطالعات فرهنگی

راهبردهای امام خمینی ره

یک. نظارت و اشراف اطلاعاتی به امر جنگ

امام ره در رهبری دفاع مقدس بر تمامی ارگان‌ها و سازمان‌های مربوط به دفاع مقدس نظارت کامل داشتند و گزارش‌های مختلفی از مسائل جزئی و کلی جنگ اعم از عملکردها، امکانات، تجهیزات، وضعیت روحی و روانی رزمندگان اسلام، وضعیت خطوط مقدمه جبهه و ... پیوسته به‌وسیله نمایندگان امام در تشکیلات

مختلف سیاسی، نظامی و نیز فرماندهان قرارگاه‌ها و حتی فرماندهان لشکرها به ایشان ارائه می‌شد. امام هم به‌طور دقیق آنها را بررسی می‌نمود و اگر مطلبی قابل پیگیری بود و یا اگر مشکلی باید حل می‌شد، سریعاً دستور پیگیری یا حل آن را صادر می‌کرد. برای نمونه، فرمانده کل سپاه در آبان ماه سال ۱۳۶۲ در گزارشی به امام، چگونگی انجام عملیات‌ها و میزان پیشرفت نیروهای اسلام را در جبهه‌های مختلف بیان و از ایشان برای ادامه کار، کسب تکلیف کرده بود. امام بلافاصله خطاب به رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع نوشت:

جناب آقای خامنه‌ای، رئیس شورای عالی دفاع! در شورای عالی دفاع به این امر رسیدگی فوری شود و نتیجه را ابلاغ نمایید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۱۹۹)

حضرت امام علیه السلام علاوه بر آنچه گفته شد، اطلاعات و اخبار گوناگون جنگ را از طریق کانال‌های غیررسمی هم به دست می‌آورد. برای مثال، اعضای دفتر با بستگان ایشان در زمان‌های مختلف و شرایط گوناگون جنگ در جبهه‌ها عزیمت می‌کردند و پس از بازگشت، مشاهدات خود را برای امام بیان می‌نمودند. امام حتی گاه افرادی را به صورت ناشناس، به جبهه‌های نبرد اعزام می‌نمود تا وضعیت نیروهای رزمی و مناطق عملیاتی را در نقاط مختلف جبهه‌ها بررسی نمایند و گزارش آن را به ایشان منتقل نمایند. (ستوده، ۱۳۷۸: ۳ / ۱۱۹)

آگاهی دقیق از امور گوناگون جنگ، از لوازم تصمیم‌گیری فرماندهی کل قوا است؛ زیرا در این صورت می‌تواند سیاست دفاعی و نظامی را براساس واقعیات پایه‌ریزی نماید. امام علیه السلام نیز با اطلاع کامل از اوضاع سیاسی و نظامی جنگ، موقعیت حساس استان‌های جنوبی و غربی کشور و وضعیت مهم سیاسی و اقتصادی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، تصمیم می‌گرفت. ایشان هرچند یک فرد نظامی دوره دیده و کلاسیک نبود، اما برای آگاهی از مسائل جنگ و عملیات‌ها، از روزهای آغازین جنگ به شورای عالی دفاع فرمود: «از شورای عالی دفاع می‌خواهم که هر روز این جانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۳۲)

دو. نظارت بر عملکرد کارگزاران و مطبوعات

امام خمینی علیه السلام بر عملکرد کارگزاران نظارت کامل داشتند. چنان‌که تأکیدهای مکرر ایشان به مسئولان نظام جمهوری اسلامی مبنی بر توجه بیشتر به مسائل و ابعاد مختلف جنگ و در اولویت قرار دادن دفاع مقدس و حل مشکلات مربوط به آن باعث شد که آنان سیاست و برنامه‌های خود را در جهت تقویت دفاع مقدس پایه‌ریزی کنند.

حضرت امام علیه السلام مسئولان بخش‌های مختلف قوای سه‌گانه را کاملاً تحت‌نظر داشتند و همواره به آنان تذکر می‌دادند که مبادا به‌نحوی موضوع‌گیری کنند که عملکردشان در روحیه رزمندگان اسلام تأثیر منفی بگذارد:

اگر خدای نخواست به‌واسطه حرف‌های ما، به‌واسطه اقدامات ما، در جبهه یک سستی پیدا بشود - در جبهه جنگ - مسئولش همه ما هستیم. (همان: ۱۳ / ۲۸۱)

امام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره تبادل نظر آنان در مسائل گوناگون و به‌ویژه سخنرانی‌های قبل از دستور که از طریق رسانه‌های جمعی به گوش همه می‌رسید، می‌فرمود:

اگر چنانچه در مجلس یک اضطراری واقع بشود، یک وضع ناخوشی پیش بیاید، آن تأثیرش در جبهه‌ها هست. (همان: ۱۹ / ۲۳۴)

هم ایشان هنگامی که برخی از تربیون مجلس به شدت از دولت انتقاد کردند، فرمودند:

این امر باعث سستی مردم بعضی از مناطق کشور در شرکت در نماز جمعه و ممکن است انعکاس آن موجب شکست سیاسی بلکه نظامی برای کشور اسلامی باشد. (همان: ۴۲۱)

حضرت امام علیه السلام با آگاهی کامل از کارآمدی مطبوعات که در سراسر ایران اسلامی از دورترین نقاط کشور تا خط مقدم جبهه توزیع می‌شد، به‌طور دقیق ناظر تحلیل‌ها و مقالات و گزارش‌های آنان بود تا به دفاع رزمندگان آسیبی وارد نشود. از این رو در همان روزهای اول جنگ، دستور اُکید فرمودند:

روزنامه‌ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می‌نمایند، جداً خوداری نمایند. (همان: ۱۳ / ۹۴)

زمانی که اختلافات سیاسی برخی از گروه‌ها و مسئولان کشور به مطبوعات کشیده شد، مطبوعات هر روز با تحلیل‌ها و مقالات خود در برابر یکدیگر صف‌آرایی می‌کردند. حضرت امام برای جلوگیری از تخریب روحیه رزمندگان و انحراف اذهان عمومی از دفاع مقدس، به مطبوعات هشدار داد و آنان را به جبهه‌های جنگ متوجه ساخت:

شمایی که الان لشکر کفر به شما حمله کرده و شمایی که الان در سوسنگرد آن بساط را دارید، در آبادان آن بساط را دارید، در اهواز آن بساط را دارید، نباید به خودتان بیایید؟! (همان: ۱۷۲)

سه. سازماندهی نیروها

سازماندهی نیروها و چگونگی به‌کارگیری آنها در نبرد با دشمن نقش مؤثری در پیروزی دارد. حضرت امام در مسند فرماندهی کل قوا، در جنگ نیز با بینش و بصیرت عمیقی که داشت، قلمرو سازمانی نیروهای رزمی را از محدوده نیروهای آموزش‌دیده نظامی و کلاسیک ارتش و سپاه فراتر برد و تمامی اقشار ملت ایران را به عرصه نبرد فرا خواند: «امروز روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند!» (همان: ۱۳ / ۱۸) و در جهت بسیج عمومی مردم در جنگ می‌فرمایند:

به ملت ایران هشدار می‌دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه‌های خود را آماده کنند (و) به حال آماده‌باش باشند. (همان: ۱۳ / ۱۲۱)

اقدام دیگر امام تقسیم نیروهای داوطلب به دو بخش رزمی و پشتیبانی بود تا افراد به تناسب توانایی‌ها و

استعدادهای خود بتوانند در این امر مقدس سهیم باشند: «هرکس می‌تواند، جبهه برود و هر که نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند». (همان: ۱۹ / ۲۸۹) همچنین نیروهای رزمی و آموزش دیده را برای آمادگی و اعزام به جبهه‌های نبرد فرمان داد:

امروز پر کردن جبهه‌های نبرد از نیروهای آموزش دیده و آمادگی دفاع از اسلام و ایران برای همه قشرها از اهم واجبات الهی است و هیچ چیز دیگر مانع آن نمی‌شود. (همان: ۱۹ / ۲۹۳)

نیروهایی که از آغاز جنگ در صحنه‌های نبرد حضور داشتند و با دشمن می‌جنگیدند، عبارت بودند از:

۱. ارتش کلاسیک و مجهز به سلاح که به‌تازگی از بند رژیم شاهنشاهی و سلطه مستشاران آمریکایی رهایی و براساس اهداف متعالی انقلاب اسلامی سامان یافته بود.

۳. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ نهادی جوشیده از متن انقلاب و مردم با انگیزه‌های قوی و روحیه‌ای عالی، اما فاقد تجهیزات مدرن نظامی و یگان‌های رزمی.

۳. نیروهای مردمی با عنوان بسیج که ستون فقرات نظام اسلامی را تشکیل می‌دادند و همواره در تمامی صحنه‌های سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه نظامی حضور فعال داشتند.

ظاهر ناهمگون و تفاوت سازمانی این نیروها، دشمن را به این پندار رسانده بود که در جنگ پیروز است، اما امام با شخصیت برجسته و نفوذ معنوی بالای خود، ارتش، سپاه و بسیج را در جهت هدف مشترک دفاع از میهن اسلامی هماهنگ کرد:

سپاه پاسداران و قوای نظامی دیگر، خودشان را یک بدانند، همه‌تان برای یک مقصد دارید عمل می‌کنید و آن مقصد این است که کشور خودتان را آزاد نگه دارید. (همان: ۱۳ / ۱۴۵)

از نظر حضرت امام، همچنان که وحدت و یکپارچگی اقشار ملت و گروه‌های سیاسی، عامل تحقق اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی و شکست دشمنان و استکبار جهانی است، انسجام و اتحاد نیروهای رزمنده نیز نقش مؤثری در پیروزی نظامی بر دشمن دارد. از این رو، برای هماهنگی و همدلی هرچه بیشتر نیروهای مسلح و رزمنده برای دستیابی به پیروزی در جبهه‌های نبرد می‌فرمود:

به ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری، بسیج و همه نیروهای مسلح نظامی و غیرنظامی تأکید می‌کنم که با هماهنگی هرچه بیشتر بر دشمن بتازید. (همان: ۱۴ / ۹)

چهار. تفویض اختیارات و تأکید بر رعایت مقررات

امام علیه السلام به دلیل گستردگی امور جنگ و به‌منظور تمرکز قوای نظامی، بهره‌گیری کامل از استعدادها و نیروهای رزمی و پشتیبانی و سرعت عمل در تصمیم‌گیری‌های نظامی، راهبرد مشخصی داشتند. ایشان برخی از اختیارات خود را به مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی مورد اعتماد تفویض می‌کردند و خود به‌عنوان رهبر

و فرمانده کل قوا، بیشتر سیاست‌های کلی دفاع مقدس را تعیین و بر حسن اجرای آنها نظارت می‌کردند. حضرت امام امور نظامی جنگ را به شورای عالی دفاع واگذار کردند و اظهار داشتند که کلیه امور مربوط به جنگ، باید تحت نظر شورای عالی دفاع اداره شود. (همان: ۱۳ / ۱۱۷) همچنین تهیه امکانات مورد نیاز جبهه و ساماندهی آنها را به شورای عالی پشتیبانی جنگ واگذار کردند که تشخیص آنها باید مورد عمل قرار گیرد. (همان: ۲۰ / ۱۶) امام در پاسخ به نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس وقت شورای عالی پشتیبانی جنگ، درباره تقابل برخی از مصوبات این شورا با قوانین جاری کشور فرمود: «مصوبات شورای عالی پشتیبانی جنگ، تا پایان جنگ لازم‌الاجراست». (همان: ۲۰ / ۴۷۶)

امام امت، وزارت امور خارجه را نیز به‌عنوان تنها مرجع رسمی جمهوری اسلامی ایران برای بیان مسائل مربوط به جنگ در مجامع سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین می‌کنند، (همان: ۱۳ / ۲۶۳) و به فرماندهان نظامی متذکر می‌شوند که از اظهار نظر در این زمینه خودداری نمایند. (همان: ۲۰ / ۲۴۵)

به‌رحال گذشته از تفویض اختیارات و تعیین مسئولیت‌ها توسط حضرت امام علیه‌السلام که نقش شگرفی در کنترل شرایط و موقعیت در طول دفاع مقدس داشت؛ تأکید ایشان بر رعایت مقررات هم بسیار مهم تلقی می‌شد؛ زیرا بنیان نیروهای مسلح، بر رعایت نظم و مراعات سلسله‌مراتب استوار است.

رعایت مقررات و حفظ انضباط، به‌ویژه در صحنه نبرد، عامل مهمی در موفقیت و پیروزی نیروهای مسلح است. رعایت نظم و مقررات در اجرای موفق تاکتیک‌های عملیاتی نیز سهم زیادی دارد؛ از این رو حضرت امام خطاب به رزمندگان می‌فرمود: «باید انسجام و انضباط رزمندگان اسلام به حد اعلا باشد». (همان: ۱۵ / ۷۰)

از مصادیق مهم رعایت مقررات و انضباط در جنگ، اطاعت از دستورات فرماندهان است. از این رو حضرت امام علیه‌السلام به رزمندگان می‌فرمود: «اگر در جنگ بنا باشد از فرماندهی اطاعت نشود. مسلماً شکست خواهیم خورد». (همان: ۱۷ / ۴۱)

پنج. رعایت اصول تصمیم‌گیری

حضرت امام در تصمیم‌گیری‌های مهم خود همواره از اصول کلی مدیریتی بهره می‌جستند تا تصمیماتشان در رهبری و هدایت امور مربوط به دفاع مقدس با وضعیت کشور و واقعیت‌های حاکم بر عرصه نبرد، منطبق و کارگشا باشد.

ایشان گاه در برخی از جلسات تصمیم‌گیری نهایی درباره عملیات‌های مهم مانند عملیات والفجر ۸ حضور داشتند و به‌طور کامل از طرح عملیات محورهای عملیاتی و وضعیت و محل استقرار یگان‌های عمل‌کننده آگاه می‌شدند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۵۰) و حتی در برخی موارد، نظر تخصصی نظامی می‌دادند.

حضرت امام در هنگام تصمیم‌گیری و قبل از صدور فرمان، حتماً با مسئولان و فرماندهان مشورت می‌کردند و آگاهی از نظر کارشناسان سیاسی و نظامی در امور مهم و سرنوشت‌ساز برای حضرت امام از

اهمیت خاصی برخوردار بود. از این رو در جلسات مشورتی هیچ‌گاه نظر خویش را بر مسئولان و فرماندهان تحمیل نمی‌کردند؛ بلکه پس از اظهار نظر خویش، نظر سایرین را هم می‌شنیدند. مجموعه آرای ارائه شده، مبنای تصمیم‌گیری حضرت امام علیه السلام می‌شد.

در اینجا به برخی از مشورت‌ها و تصمیم‌گیری‌های امام که باعث تحولات مهمی در دفاع مقدس شده اشاره می‌کنیم.

۱. ورود به خاک عراق

پس از عملیات‌های موفق نیمه دوم سال ۱۳۶۰ و سه ماه اول سال ۱۳۶۱ که منجر به آزادسازی حساس‌ترین بخش‌های اشغال‌شده کشور و وارد آمدن تلفات و ضربات سنگینی بر ماشین جنگی کشور عراق شد، وضعیت متفاوتی در عرصه دفاع پدید آمد و دشمن از نظر روحی شدیداً مرعوب پیروزی‌های رزمندگان اسلام و از نظر سیاسی در منطقه خاورمیانه و مجامع بین‌المللی تضعیف شده بود. حضرت امام علیه السلام این موقعیت را بهترین فرصت برای پایان جنگ می‌دانستند و در جلسه‌ای به مسئولان اعلام نمودند که بهتر است جنگ تمام شود و بدین ترتیب اجازه ورود به خاک عراق را ندادند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۲/۲۳: ۲۳)

عمده دلائل حضرت امام علیه السلام برای اتخاذ این موضع، بدین قرار بود:

الف) از لحاظ بین‌المللی موضع بر حق داریم و هنوز متجاوز در بخش‌هایی از خاک ماست.

ب) بعضی کشورهای عرب که با ما هستند، پشت‌سر صدام قرار می‌گیرند.

ج) مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی‌کنند و آنهایی که الان با ما هستند، به ما به‌عنوان متجاوز نگاه می‌کنند.

د) مردم بی‌گناه عراق آسیب می‌بینند. (سفیری، ۱۳۷۸: ۹۱ - ۹۰)

تبادل نظر در جلسه‌ای دیگر که فرماندهان نظامی نیز حضور داشتند، ادامه می‌یابد. نظامیان می‌گویند که سه راه‌حل بیشتر ندارند: یا باید به دشمن حمله کنند، یا باید پدافند (دفاع) کنند و یا باید عقب‌نشینی کنند. راه‌حل چهارمی هم بود که وظیفه آنها نبود و آن پیشنهاد صلح بود. نظامیان در این جلسه اظهار داشتند که زمین شرق بصره و جنوب غرب اهواز، زمین به‌هم‌پیوسته و صافی است و هیچ مانع طبیعی مانند کوه، رودخانه و مانند آن وجود ندارد. از این رو ماندن نیروها در این شرایط و با امکانات مهندسی و تجهیزات موجود برای ما مقدور نیست.

اگر عراق دوباره قدرت بگیرد، به ما حمله خواهد کرد؛ به‌ویژه اینکه قرارداد صلحی بین ما و عراق بسته نشده است. دفاع از کشور مقدور نخواهد بود و باید به سمت رودخانه کارون عقب‌نشینی کرد و این زمین را به عراقی‌ها بدهیم؛ درحالی‌که الان در موضع قدرت هستیم. مسئولان سیاسی هم گفتند دنیا حرف روشنی به ما نمی‌زند. از این رو هم فرماندهان نظامی و هم مسئولان سیاسی، رأی به ورود به خاک عراق دادند. (رشید، ۱۳۷۸: ۷۱)

حضرت امام علیه السلام این نظر کارشناسان را پذیرفت و در اولین سخنرانی عمومی خود پس از جلسات، این موضع را اعلام فرمود:

رزمندگان ما و فرماندهان ارتش و سپاه به ما گفتند اجازه بدهید ما وارد بشویم در آنجا (خاک عراق) ... ما می خواهیم دفاع کنیم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۱۹۳)

و همچنین ایشان در پیامی به ملت عراق به مناسبت آغاز عملیات رمضان، علت ورود به خاک عراق را این چنین بیان فرمودند:

برادران مجاهد شما در دفاع از میهن خود و دفع حملات دشمن اسلام، مجبور شدند به خاک عراق بیایند تا به خواست خداوند متعال، ملت ستمدیده عراق را از شرّ خرابی که در طول سلطنت غیرمشروعش بر کشور اسلامی، آن چنان ضربه‌ها به این ملت شریف وارد کرده که قابل شمارش نیست، نجات دهند. (همان: ۱۶ / ۲۲۴)

۲. مقابله به مثل

از اوائل جنگ که دشمن، وحشیانه شهرهای ایران را با موشک و بمب و گلوله توپ مورد هدف قرار می‌داد، نظر امام تنها حمله به مواضع نظامی دشمن بود. بر اثر فشارهای شدید دشمن در سال‌های بعد، مسئولان کشور حمله به شهرها و تأسیسات مهم اقتصادی عراق را به امام پیشنهاد کردند که مورد موافقت ایشان قرار گرفت. اما به آنان دستور داد: «۴۸ ساعت قبل رسماً اعلام کنید تا هر کس می‌خواهد از شهرها بیرون برود». (سفیری، ۱۳۷۸: ۹۱) و هنگامی که برخی از کشورهای عربی و منطقه به این اقدام ایران اعتراض کردند، امام در پاسخ به آنان فرمود:

حمله به مناطق غیرنظامی هیچ‌گاه مورد نظر نبوده و نیست و اکنون هم نمی‌خواهیم مناطق غیرنظامی و مردم مورد هجوم قرار گیرند. ولی قریب به چهار سال است که تحت فشار حملات موشکی عراق هستیم و آن را تحمل کردیم اما مقامات جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم میل‌شان چاره‌ای جز مقابله به مثل ندیدند ... هر لحظه که حملات عراق به مناطق غیرنظامی قطع شود ایران با کمال خوشحالی اقدام به مقابله نخواهد کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۵۲۲)

۳. قبول قطعنامه ۵۹۸

حمایت جهانی از عراق در ماه‌های آخر جنگ به اوج خود رسید و آمریکا به‌طور عملی و مستقیم وارد صحنه جنگ شده و سکوه‌های نفتی ما را بمباران می‌کرد و نیز هواپیماهای عراقی را برای بمباران نفت‌کش‌ها یاری می‌رساند. فرانسه هواپیماهای پیشرفته سوپراتاندار و میراژ ۲۰۰۰، شوروی سابق مدرترین هواپیماهای جنگنده و آلمان مواد لازم را برای تهیه سلاح‌های شیمیایی در اختیار عراقی‌ها می‌گذاشتند. عراق نیز به‌طور گسترده مناطق مسکونی و جبهه‌ها را بمباران شیمیایی می‌کرد و مجامع بین‌المللی با سکوت خود، این جنایات را تأیید می‌کردند. (ولایتی، ۱۳۷۶: ۲۲۷)

این موارد و دیگر اقدامات دشمن باعث شد تا امام درباره چگونگی ادامه جنگ یا پایان آن، با کارشناسان سیاسی و نظامی مشورت نماید. از این رو مسئولان کشور را مأمور بررسی این کار نمود: در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷ جلسه مهمی با حضور سران سه قوه، اعضای مجلس خبرگان، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی برای بررسی مسائل مهم کشور در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد ... و در نهایت قرار شد رسماً پذیرش قطعنامه به شخص دبیرکل سازمان ملل با امضای رئیس‌جمهور اسلامی ایران اعلام شود. (همان: ۲۷۸)

حضرت امام با توجه به بررسی‌های مسئولان کشور فرمودند:

با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱ / ۹۲)

شش. مقابله با عوامل بازدارنده داخلی

حوادث گوناگونی در دوران دفاع مقدس در داخل کشور پدید آمد که گاه فضای سیاسی را ملتهب می‌ساخت. برخی از پیشامدها را عوامل دشمن پدید می‌آوردند و برخی دیگر نتیجه اعمال گروه‌های ناآگاه داخلی بود. هر کدام از این حوادث به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانست در حضور رزمندگان اسلام در جبهه تأثیر منفی بگذارد که امام علیه السلام با درایت و تدبیر و شیوه‌های رهبری خویش تأثیر منفی و شکننده هریک از این حوادث را خنثی می‌کرد و توجه رزمندگان اسلام و ملت ایران را به مسئله اصلی یعنی دفاع مقدس از میهن اسلامی معطوف می‌داشت. در اینجا به نمونه‌هایی از تدبیرهای ایشان در مقابله با عوامل بازدارنده داخلی خواهیم پرداخت.

۱. بازداشتن نیروها از توجه به مسائل انحرافی

فضای سیاسی کشور همزمان با هجوم عراق به شدت ملتهب و افکار عمومی ملت ایران، تا چند ماه اول جنگ به حوادث سیاسی گوناگون مشغول بود. همچنین فعالیت برخی از گروه‌های ضد نظام با پشتیبانی برخی مسئولان وقت، بر تشنج موجود می‌افزود. نمونه آن تجمع هواداران بنی‌صدر شامل اعضا و هواداران سازمان منافقین و دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور در شهر مشهد بود. در این تجمع، عده‌ای به قصد ایجاد اغتشاش شعارهای اهانت‌آمیز داده، عکس حضرت امام را پاره کردند. انتشار این خبر باعث جریحه‌دار شدن قلب میلیون‌ها عاشق و دلداره امام شد. اینان بر آن شدند تا با تعطیل کردن بازارها و مغازه‌ها و انجام راهپیمایی، انزجار خود را از فعالیت‌های ضد انقلاب اعلام نمایند. در این هنگام امام علیه السلام با درایت کامل و شناخت توطئه انحراف افکار مردم از مسئله جنگ برای جلوگیری از عکس‌العمل برخی گروه‌ها و ادامه یافتن این درگیری سیاسی، از ملت خواستند تا از انجام راهپیمایی صرف‌نظر نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳ / ۴۰۶)

با عزل بنی‌صدر از جانشینی فرماندهی کل قوا به‌وسیله امام و تغییر و تحول ناگهانی در سطح فرماندهی عالی نیروهای مسلح، احتمال تضعیف روحیه برخی نیروهای ارتش و تقویت روحیه نیروهای دشمن وجود داشت.

از این رو حضرت امام چند روز پس از عزل بنی صدر در دیدار با جمعی از فرماندهان ارتش اسلام، آنان را به فراموش کردن حوادث قبل و تمرکز در طراحی عملیات، بهره‌گیری از تمام امکانات و هجوم به دشمن سفارش نمود. (همان: ۱۵ / ۹ - ۸)

۲. کم اهمیت جلوه دادن حوادث داخلی

حوادث هفتم تیر و هشتم شهریور سال ۱۳۶۰ و دیگر اقدامات تروریستی منافقان، از مهم‌ترین بحران‌های داخلی در زمان جنگ بود که امام پس از این حوادث، به ملت ایران آرامش می‌داد و می‌فرمود: «هیچ مملکتی با انفجار از بین نمی‌رود، هیچ مملکتی با ترور از بین نمی‌رود». (همان: ۱۳۰)

همچنین در جمع فرماندهان نظامی و مسئولان جنگ این اقدامات را کم اهمیت تلقی می‌نمودند: «بمب‌اندازی و آتش‌سوزی و غیره مسئله زیاد مهمی نیست». (همان: ۹۴)

کم اهمیت جلوه دادن فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی از بهترین تدابیر و شیوه‌های امام در رهبری دفاع مقدس بود. از این رو از ملت می‌خواهند تا متوجه جنگ باشند و کشتارهای این گروهک‌ها باعث انصراف ذهن آنها از مسائل جنگ نشود. (همان: ۲۷)

۳. جلوگیری از دخالت افراد غیر مسئول

گاه برخی از مسئولان، شخصیت‌های غیرنظامی و صاحب نفوذ در ماه‌های آغاز جنگ درباره طرح و برنامه‌های عملیاتی نظامیان و فرماندهان قرارگاه و یگان‌های رزمی اظهار نظر می‌کردند. این اظهار نظرهای غیرتخصصی و مداخله‌جویانه نگرانی فرماندهان مسئول در جبهه‌ها را در پی داشت. حضرت امام برای رفع این نگرانی چنین فرمان داد:

کسانی که اطلاع نظامی ندارند، نباید دخالت کنند در کار نظامی ... بگذارید که آنها روی نقشه‌هایی که دارند، (هر) طوری که می‌توانند عمل کنند. (همان: ۲۰ / ۲۱۵)

ایشان همچنین مردم عادی و نیز صاحب‌منصبان غیرنظامی را از اعلام نظر شخصی درباره جنگ از تریبون‌های عمومی منع می‌نمایند. (همان: ۱۳ / ۲۸۱)

۴. منع فعالیت گروه‌های مخالف نظام اسلامی

برخی از گروه‌های مخالف نظام در سال‌های آغاز جنگ با حمایت از تعدادی از مسئولان ناآگاه و یا مغرض، از اوضاع آشفته سیاسی به نفع خود سود می‌جستند و به تدریج در اجرای فعالیت‌های قوه مجریه اعمال نفوذ می‌کردند. امام در ابتدا بنابه مصلحت حفظ نظام و آرامش در کشور، سکوت اختیار کرده بود؛ اما هنگامی که آنان گستاخانه اقدام به مخالفت عملی و ضربه زدن به نظام اسلامی نمودند، پرده از چهره منافقانه آنان برداشت و توطئه آنان را خنثی کرد. ایشان در این باره به رزمندگان فرمود:

شما سربازان دلاور اسلام در پادگان‌ها در جبهه و پشت جبهه‌ها، هوشیارانه جریانات ضد انقلاب را دنبال کنید و بدانید که من نزدیک به یک سال بود که صلاح نمی‌دیدم آنچه را می‌دانم برای ملت شرح دهم. چرا؟ تا آرامش کشور حفظ شود و شما با آرامش کامل، علیه مستکبران جهان بجنگید تا (اینکه) احساس کردم دیگر مسئله از این حرف‌ها گذشته است و خطر، اساس جمهوری اسلامی را که با خون پاک هفتاد هزار شهید و معلولیت بیش از یکصد هزار نفر به وجود آمده بود، تهدید می‌کند. دیگر تاب نیاوردم تا شما بجنگید و از پیروزی شما به نفع مقاصد شوم سیاسی ضد انقلاب بهره‌برداری شود. لذا درددل نمودم: شما در هر کجا که هستید، با کمال دقت مراقبت کنید تا ضد انقلاب به مقاصد پلیدش نرسد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵ / ۲۳)

۵. خنثی کردن فعالیت ستون پنجم و شایعات

استکبار جهانی همزمان با تحریک رژیم بعث عراق برای حمله به ایران، گروهک‌های ضد انقلاب را به شیوه‌های مختلف پشتیبانی نمود و برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی و شکست ایران در جنگ، در پی نفوذ در نیروهای مسلح و یگان‌های رزمی جهت کسب اطلاع از وضعیت نیروها، امکانات و تجهیزات و جاسوسی برای دشمن و یا تضعیف روحیه رزمی و انگیزه معنوی رزمندگان در دفاع از میهن اسلامی بود که حضرت امام با هوشیاری کامل به فرماندهان نیروهای مسلح این چنین هشدار دادند:

باید فرماندهان و همه افراد قوای مسلح با کمال دقت مواظب باشند تا ضد انقلاب در سنگرهای آنان و در جبهه‌ها نفوذ نکنند و با تبلیغات باطل خود جنگنده‌های ما را تضعیف نمایند. (همان: ۱۴ / ۸)

از دیگر اقدامات عوامل بیگانه برای تضعیف جبهه‌ها؛ ترور، انفجار، تخریب و آتش‌سوزی در داخل کشور در ایام گوناگون، به‌ویژه پس از عملیات‌های ظفرمند رزمندگان بود. امام برای مقابله با آن، تدبیری نیک اندیشید و همانند دوران انقلاب و آغاز جنگ، فرمان بسیج همگانی ملت و نیروهای پشت جبهه را برای شناسایی و دستگیری آنان صادر نمود:

به ملت قهرمان است که با پشتیبانی بی‌دریغ خود از قوای انتظامی و سپاه پاسداران، این گروهک‌های ورشکسته را که در خیابان‌ها به شرارت می‌پردازند، دستگیر کرده و به محاکم صالح تحویل دهند. (همان: ۱۵ / ۱۵۹)

با این تدابیر امام و حضور میلیونی مردم در نقش نیروی اطلاعاتی، نیروهای نظامی و انتظامی، بسیاری از منافقان کوردل و گروهک‌های مخالف که در نقش ستون پنجم دشمن، فتنه و آشوب به پا می‌کردند، دستگیر و تحویل مراجع قانونی و قضایی کشور شدند. امام آنگاه به دادگاه‌های انقلاب فرمان داد تا با سرعت، دقت و قاطعیت، احکام اسلام را در مورد آنها جاری کنند و به نغمه مخالفان اجرای قانون الهی، گوش فرا ندهند. (همان: ۷۱ - ۷۰)

امام علیه السلام همچنین با توجه به حساسیت مناطق جنگی به‌ویژه استان خوزستان که عوامل دشمن در آنجا

بیشتر از مناطق دیگر به جاسوسی و شرارت مشغول بودند، برای مهار فعالیت ستون پنجم طی اقدامی قاطع، سیر مراحل تشکیل پرونده و محاکمه در دادگاه و تصویب احکام صادره به وسیله شورای عالی قوه قضائیه را کوتاه و اختیارات قضایی را به هیئتی واگذار نمود. (همان: ۱۹ / ۴۲۵)

در طول جنگ، دشمن غیر از استفاده از ستون پنجم، با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی بیگانه و با هماهنگی عوامل مزدور داخلی آنان، شایعات گوناگونی را برای ایجاد هرج و مرج و جنگ داخلی رواج می‌داد. برای مثال اینان در اوائل جنگ که هنوز هماهنگی همدلی و انسجام لازم میان نیروهای مسلح برقرار نشده بود، نقل و انتقالات ارتش را به شایعه کودتای ارتش در کشور تبدیل کردند تا مردم را برای حمله به پادگان‌ها تحریک کنند و یا بمباران‌های عراق را به نیروهای مسلح نسبت دادند و اعلام کردند که بازار تهران و پمپ‌بنزین‌ها نیز تخریب خواهد شد!

تلاش برای ایجاد صف‌های مصنوعی و پخش شایعه کمبود ارزاق عمومی و اعلام خبر دروغ مصادره سپرده‌های بانکی به وسیله دولت، از دیگر اقدامات شایعه‌افکنان بود.^۱

شایعه‌پراکنان با شیوع این‌گونه اخبار، سعی می‌کردند بین مردم و ارتش و نیروهای مسلح اختلاف و بدبینی و نیز میان رزمندگان جبهه و نیروهای پشت جبهه بی‌اعتمادی ایجاد کنند. حضرت امام علیه السلام در همان روزها طی بیاناتی خطاب به رزمندگان فرمود:

من به قوای انتظامی و نظامی که الان دارند در سرحدات جان‌فشانی می‌کنند. همه طوایف چه عشایر و چه مردم عادی غیر نظامی و چه خود نظامی‌ها و چه قوای دیگر مسلح مثل پاسدارها و پاسبان‌ها و به همه اینها نوید می‌دهم که ملت ایران پشت سر شماست. مملکت ایران پشت سر شماست. شما اعتماد نکنید به بعضی حرف‌هایی که گفته می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۸۱)

و به ملت ایران فرمود:

خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلویشان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه‌ها نکنند. من خودم تماس دارم و همه مطالب پیش من می‌آید. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳ / ۲۲۴)

دشمنان همچون عشق و ارادت زایدالوصف رزمندگان به امام و اطاعت‌پذیری‌شان را از ایشان کاملاً درک کرده بودند. از این‌رو گاه برای تضعیف روحیه رزمندگان، شایعه مرگ حضرت امام را از طریق رسانه‌های بیگانه پخش می‌کردند. امام نیز با توجه دادن ملت ایران به عنایت‌های الهی و تقویت ایمان به خدا، برای خنثی کردن این دسیسه دشمن می‌فرمود:

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۲: ۳ و ۱۳۵۹/۷/۴: ۴، ۱۳۵۹/۷/۸: ۶؛ کیهان ۱۳۵۹/۷/۱: ۲؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۳: ۳.

شنیدم امروز هم یک شایعه مرگ فلانی شده است و دلخوش کرده خودش را به اینکه فلانی مرد! من بمیرم - که - شما باید دعا کنید خدا بمیرد! خدا هست، من کی هستم، ملت ما خدا دارد! (همان: ۱۳ / ۱۰۲)

۶. انتقاد از قاعدین و مخالفان جنگ

در طول مبارزات حضرت امام با رژیم ستمشاهی، مقدس‌مآبان کوتاه‌فکر که آسایش دنیا را بر سختی مبارزه ترجیح می‌دادند، از موانع پویایی و رشد انقلاب اسلامی در جامعه بودند. در دوران دفاع مقدس هم گروه اندکی نه تنها خود و یا فرزندان‌شان در جبهه‌های نبرد حاضر نمی‌شدند و از کمک‌های مالی دریغ می‌کردند، بلکه به رزمندگان اسلام و طرح‌های دفاعی و فعالیت‌هایی که در زمینه دفاع مقدس صورت می‌گرفت، معترض بودند. امام این گونه رفتارها را از موانع دفاع از حیثیت اسلام و مرزهای نظام جمهوری اسلامی می‌دانست. از این رو با قاطعیت می‌فرمود:

آن کسی که اشکال به جنگ دارد، واجب است برایش که برود جنگ. اینهایی که اشکال می‌کنند، یکی‌شان حتی یک بچه‌شان نرفته است؛ یک جوان‌شان نرفته است به جبهه‌ها. (همان: ۱۹ / ۲۹۰)

از دیدگاه امام زندگی این گونه افراد که در زمان جنگ تنها برای رفاه و آسایش در زندگی مادی تلاش می‌کردند و از هرگونه مبارزه و جهاد رویگردان بودند، زندگی حیوانی بود:

آنهایی که نشستند کنار و می‌خورند و می‌خوابند و زندگی حیوانی دارند و نق می‌زنند به این کشور، آنها یک قدری توجه بکنند ... ما در حال جنگیم. (همان: ۱۸ / ۲۷۱)

و برای اتمام حجت شرعی بر مخالفان جنگ و خانه‌نشینان، به گوشه‌ای از روحیه ایشار اخلاص و شهادت‌طلبی ملت قهرمان اشاره می‌نماید:

همه چیزشان را کانه داده‌اند. معذک می‌گویند کاش یک بچه کوچکی که داریم بزرگ شود و برود جنگ بکند! اینها حجت بر ما هست. اینها حجت بر آن اشخاصی هست که توی خانه نشستند و نق می‌زنند. توی خانه نشستند و به مردم تزریق می‌کنند که نه نروید جایی. (همان: ۲۰ / ۱۹۱)

قاعدین و مخالفان جنگ، همچنین وانمود می‌کردند که مردم و رزمندگان از جنگ خسته شده‌اند که امام در پاسخ به آنان فرمود:

آنهایی که در خانه نشستند و می‌گویند مردم خسته شده‌اند از جنگ و خسته شده‌اند از چه و چه ... آنها خودشان خسته هستند، از اول هم خسته بوده‌اند. (همان: ۱۸ / ۶۹)

مقدس‌مآبان و متحجران نیز، با ترویج شعار صلح‌طلبی و متهم نمودن کارگزاران نظام اسلامی به جنگ‌طلبی، به مخالفت با جنگ می‌پرداختند که حضرت امام علیه السلام این موضع‌گیری را ناشی از دنیاخواهی و

آسایش طلبی آنان می‌شمارند و آن را مخالف مصالح اسلام و مسلمانان و مخالف سیره و سنت رسول خدا ﷺ در برابر کفار و مشرکان و سیره امامان معصومین در برابر معاندان می‌دانند. (همان: ۲۰ / ۱۷)

هفت. پشتیبانی معنوی و فرهنگی رزمندگان

حضرت امام خمینی علیه السلام در طول هشت سال دفاع مقدس، همواره نیروهای مسلح را از نظر معنوی و فرهنگی مورد پشتیبانی و حمایت‌های بی‌دریغ خود قرار می‌داد و در این باره می‌فرمود: «من عهده‌دار حمایت آنان می‌باشم». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۶)

تفاوت انگیزه و هدف و نیت در رزمندگان اسلام و نیروهای عراقی، مهم‌ترین شاخصه شناخت این دو نیروی نظامی بود. امام با توجه به این نکته دقیق و مهم، خطاب به رزمندگان می‌فرمود:

فرق است مابین ایده شما و دشمن‌های شما، آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای رضای او (خدا) و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. (همان)

امام پیوسته رزمندگان و فرماندهان قرارگاه‌ها را به مسائل معنوی توجه می‌داد و در دیدار با فرماندهان، مالک اشتر را به‌عنوان یک الگو مطرح می‌کرد و آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را به آنان تذکر می‌داد. (روزنامه رسالت، ۱۳۷۱/۶/۳۱: ۱۴)

امام از راه‌های ذیل به پشتیبانی معنوی و فرهنگی رزمندگان می‌پرداخت:

۱. توجه دادن به اراده و قدرت خدا و یادآوری اعتماد به امدادهای الهی

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام تحول عظیم معنوی ملت و جوانان به‌پاخاسته و سلحشور ایران اسلامی، جلوه‌ای از عنایات الهی بود. از این رو، به نیروهای مسلح و دلاوران بسیجی می‌فرمود:

خداوند به شما عنایت داشته است که شمار را مهیا کرده است تا قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی را حفظ کنید؛ نظام الهی مقرر کرده است تا شما برای خدمت به اسلام انتخاب شوید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۶)

امام علیه السلام با دیدگاه عمیق عرفانی خویش، رزمندگان را به این نکته توجه می‌داد که جز قدرت خداوند، هیچ قدرتی در جهان وجود ندارد:

این خداوند تبارک و تعالی است که به شما قدرت داده است و خدای تبارک و تعالی است که شمار اهمیت داده است و هر تیری را که رها کنید، با دست شما، خدای تبارک کار را انجام می‌دهد.

و با استناد به آیه شریفه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد / ۷) می‌فرمود:

خداوند وعده نصرت به شما داده است؛ مادامی که شما هم نصرت خدا را بکنید. نصرت دین خدا، نصرت بندگان مؤمن خداست. شما به این عهد باقی باشید و خدای تبارک و تعالی عهد خود را عمل خواهد کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۳۵)

با آنکه حمایت ابرقدرت‌ها و اکثر کشورهای اروپایی و عربی از رژیم عراق از یک سو و کمبود امکانات و تجهیزات نظامی ایران از سوی دیگر، جنگی نابرابر را رقم زده بود، اما امام، رزمندگان را به اعتماد و تکیه بر امدادهای غیبی فرا خواند: «آنکه مطرح است، آن قدرتی است که برای اشخاص از غیب پیدا می‌شود». (همان: ۱۳ / ۱۰۰)

از مهم‌ترین نتایج این توجه دادن‌ها، فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام بود؛ زیرا دشمن هیچ‌گاه تصور نفوذ نیروهای ایرانی را به این شهر نمی‌داد. در آخرین مرحله عملیات بیت‌المقدس که نیروهای اسلام وارد شهر شدند، هزاران نفر از نیروهای عراقی با آنکه امکانات فراوانی برای جنگیدن و مقاومت داشتند، برای اسارت و تسلیم صف کشیدند. امام درباره فتح خرمشهر فرمود:

مسئله فتح خرمشهر یک مسئله عادی نبود؛ اینکه پانزده الی بیست هزار نفر به صف برای اسارت بیایند تسلیم شوند، مسئله عادی نیست، بلکه مافوق طبیعت است. (همان: ۱۶ / ۲۷۰)

۲. توجه دادن به قدرت ایمان و تأکید بر ذکر خدا و تهجد

امام علیه السلام اعتقاد راسخ به اسلام و ایمان قوی را عامل مهم در نبرد و پیروزی می‌دانستند و بر عقیده و روحیه قوی ایمانی تأکید داشتند. در جلسه‌ای که فرماندهان یگان‌های رزمی جبهه و جنگ در حضور امام از کمبود امکانات و تجهیزات سخن به میان آوردند، ایشان در پاسخ به آنان فرمود:

افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاءالله، این‌ها است که پیروزی می‌آورد؛ پیروزی را شمشیر نمی‌آورد. (همان: ۶۸)

امام خمینی علیه السلام مناجات و نیایش و عبادت‌های شبانه رزمندگان را مایه قوت روح و آرامش قلب و توان روحی و رزمی آنها می‌شمردند و آن را عامل پیروزی می‌دانستند. (همان: ۱۵۱)

۳. تقویت روحیه

سخنرانی‌ها و رهنمودهای امام در جمع فرماندهان قرارگاه و رزمندگان دلاور و پیام‌هایی که به مناسبت پیروزی‌های غرورآفرین در عملیات‌های مختلف صادر می‌نمود، قوت قلب دلاور مردان جبهه بود. فرماندهان یگان‌های عملیاتی نیز با برگرفتن ره‌توشه معنوی از این پیام‌ها، عملیات‌های بعدی را طراحی می‌کردند. مانند سخن ذیل که امام در یکی از دیدارها با تعدادی از فرماندهان قرارگاه‌های مشترک سپاه و ارتش فرمود:

از هیچ قدرتی نترسید؛ وقتی خدا با شماست، همه چیز با شماست. شما خدا را دارید؛ ولو اینکه

پشتوانه از شرق و غرب ندارید و افتخار شماست ... مسلم بدانید که کسی که با خداست، شهید شود یا زنده باشد، پیروز است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۳)

اولین مرحله عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۰ با هدف فتح خرمشهر آغاز شد. اما وجود خاکریزهای ممتد، کانال‌ها و میادین مین متعدد و گردان‌های تانک برای حفاظت از شهر، وضعیت پیشروی نیروهای اسلام را در مراحل پایانی عملیات با مشکل مواجه ساخته بود. شهید همت درباره این وضعیت می‌گوید:

دیگر قدرت تصمیم‌گیری نبود. تا اینکه فرماندهان خدمت امام رسیدند و به امام عرض کردند که فتح خونین شهر این سختی‌ها را دارد و ما هر چه پیش‌بینی می‌کنیم، باز نیرو و امکانات کم داریم و نمی‌توانیم حمله کنیم. شما نظر بدهید که چه کنیم؟ حمله کنیم یا نکنیم؟ تمام مطالب به حضرت عرض شد و امام در جواب گفته برادران فرمانده، گفته بود: «تا توکل‌تان به خدا چقدر باشد؟!» فرماندهان با شنیدن این سخن بلافاصله به سوی منطقه جنوب حرکت کردند. وقتی جمله حضرت امام برای لشکریان بازگو شد، همه به گریه افتادند و گفتند حال که امام این چنین فرموده‌اند، به خدا توکل می‌کنیم و امام راست می‌گویند. ما توکل به خدا داریم و به این علت سست هستیم. (سامع، ۱۳۸۹: ۲۷)

آری این جمله کوتاه که از انفاس قدسی امام صادر شد، چنان اثر عمیقی در روحیه رزمندگان گذاشت که با عده و عده کم دژهای مستحکم دشمنان را تصرف کردند و خرمشهر آزاد شد. رساندن پیام امام به رزمندگان در اوج درگیری‌های خط مقدم جبهه، بهترین راه‌گشا برای نبرد و قوت قلب رزمندگان اسلام بود. برای نمونه در یکی از مراحل عملیات کربلای ۵ که درگیری بسیار سنگینی بود، پیام کوتاهی مانند «سلام به رزمندگان» یا «می‌خواهم همه مقاومت کنید» که از پشت بی‌سیم به رزمندگان گفته شد، باعث شد که آنان با روحیه بالا به نبرد خود با دشمن یعنی ادامه دهند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۶: ۸)

امام در ماه‌های آغاز جنگ که رژیم عراق همواره با تبلیغات و جنگ روانی، قصد تضعیف روحیه رزمندگان را داشت، فرمود:

ما همچو سیلی خواهیم زد به صدام و حزب بعث عراق که دیگر بلند نشود از جای خودش. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۲۵)

ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست. (همان: ۱۱۶)

این جملات، تأثیر زیادی در روحیه رزمندگان و ملت ایران گذاشت و اراده آنان را در نبرد، استوارتر ساخت. عقب‌نشینی و شکست‌های مقطعی در هر جنگی وجود دارد. اما آنچه مهم است چگونگی تحلیل حادثه به‌وسیله فرمانده کل قوا است. از ویژگی‌ها و سیاست‌های حضرت امام علیه السلام در دفاع مقدس این بود که تلاش فرماندهان را نادیده نمی‌گرفت و اگر بنابه دلایلی ناکامی به سراغشان می‌آمد، با ظرافت خاص و به‌کارگیری واژه‌ها و تعابیر زیبا، روحیه آنان را تقویت می‌نمود.

عملیات ناموفق بدر، از دشوارترین شرایط پیش آمده در دوران دفاع مقدس بود. سختی مراحل عملیات، وضعیت نامناسب جغرافیایی منطقه درگیری، آتش شدید و پرحجم دشمن در منطقه و استفاده گسترده اش از سلاح های شیمیایی، باعث ناکام ماندن طرح های عملیاتی فرماندهان و عقب نشینی رزمندگان اسلام شد و پیرایش این شرایط سخت و دشوار، فشار روحی و روانی سختی را بر فرماندهان وارد ساخت و حالت یأس و ناامیدی و دلسردی را بر آنان مستولی کرد و وقتی خبر ناکامی و عدم موفقیت عملیات بدر و عقب نشینی نیروها و وضعیت نابسامان قرارگاه فرماندهی عملیات به حضرت امام علیه السلام رسید، ایشان بلافاصله به فرماندهان پیامی داد که تأثیرش برق آسا و باور نکردنی بود. متن پیام امام بدین شرح بود:

به فرماندهان ارتش و سپاه بگویند چون گزارش دادند بعضی ها ناراحت هستند، می خواستم بگویم هیچ جای نگرانی نیست. البته من برای شهدا و شما دعا می کنم؛ ولی باید بدانیم که ما تابع اراده خداوند هستیم. ما از ائمه که بالاتر نیستیم. آنها هم در ظاهر بعضی وقت ها موفق بودند: هم پیغمبر صلی الله علیه و آله و هم امیرالمؤمنین علیه السلام و هم امام حسین علیه السلام. ما که نسبت به مقام اینها چیزی نیستیم. عمده، مشیت خداوند است که هر چه او بخواهد، همان خوب است و چون غسل شیرین و باید با آغوش باز پذیرای آنچه او می خواهد باشیم و از هیچ چیز نگران نباشید. محکم باشید و از هم اکنون در فکر عملیات های بعد و مطمئن باشید که پیروزید. امروز هم پیروزید، اگر کار برای خدا باشد که شکست ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۸۶)

وقتی که این پیام قرائت شد، افسردگی به امیدواری مبدل و چهره ها باز شد و خستگی از تن فرماندهان رخت بریست. (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۰۲ - ۳۰۱)

۴. تشویق به نبرد و پرهیزدادن از غرور

بی گمان نقش معنوی رهبری امام در پیروزی و اداره جنگ، بیش از جایگاه فرماندهی کل نیروهای مسلح ایشان بود؛ زیرا ملت را برای حضور در صحنه های دفاع مقدس ترغیب و تشویق می کرد. حضور هزاران مشتاق جان برکف در جبهه های دفاع مقدس، از نتایج هنر رهبری معنوی امام بود. هرگاه پیام های حماسی و شورآفرین حضرت امام صادر می شد، جبهه های نبرد از جوانان پرشور و بااخلاص، آکنده می شد، مانند این پیام آن حضرت که می فرمود:

امروز روز حضور در حمله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسان های مجاهد ماست. درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد، امروز باید لباس محبت دنیا را ز تن بیرون برد و زره جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلوع فجر، تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۱۹۵)

پس از امدادهای غیبی خداوند در فتح خرمشهر، به فرماندهان و رزمندگان فرمود:

هشیار باشید که پیروزی‌های هرچند عظیم و حیرت‌انگیز، شما را از یاد خدا که نصر و فتح در دست اوست، غافل نکنند و غرور فتح شما را به خود جلب نکند. (همان: ۱۶ / ۱۵۴)

اگر جایی را فتح کردیم، نباید غرور پیدا کنیم. باید این فتح را آنجا دنبال کنیم و ادامه دهیم که متجاوز سر جای خودش بنشیند. (همان: ۱۸ / ۶۰)

امام به رزمندگان می‌فرمود:

مبادا پیروزی‌ها، شما را مغرور کند و از کمک‌های غیبی غافل نماید. (همان: ۱۶ / ۱۳۴)

توجه کنید که غرور به پیروزی‌ها، شهرت‌ها و جوانمردی‌ها در قلب شما رخنه نکند که این مرض نفسانی از دام‌های شیطان است که بندگان خدا را از توجه به او بازمی‌دارد. (همان: ۱۸ / ۱۲۳)

۵. تجلیل و تقدیر از رزمندگان، ایثارگران و شهدا

امام علیه السلام از فعالیت‌های خالصانه رزمندگان اسلام که باعث افتخار ملت ایران بودند، قدردانی می‌کرد و پیروزی‌های دلاورانه آنان را می‌ستود و پس از عملیات‌های مهم، رضایت خاطر خویش را از دلاوری‌ها و شجاعت‌های بی‌نظیر رزمندگان اسلام اظهار می‌داشت. ایشان پس از عملیات ثامن‌الائمه و شکست حصر آبادان، در پاسخ به تلگراف فرماندهان نظامی فرمود:

... اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران، از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح آیدهم الله تعالی تشکر می‌کنم. (همان: ۱۵ / ۱۶۵)

البته حضرت امام علیه السلام افزون بر تقدیر از رزمندگان، از جانبازان، آزادگان و شهیدان سرافراز دفاع مقدس نیز تجلیل می‌نمودند. ایشان در وصف جانبازان دفاع مقدس فرمودند:

ملت شریف ایران به شما جانبازان و فداکاران افتخار می‌کند. شما یاد فداکاران صدر اسلام را تجدید نمودید. مجاهدت افتخارآمیز شما، الگو برای مجاهدین در طول تاریخ است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۱۸۳)

رزمندگانی که در دفاع مقدس به اسارت درمی‌آمدند، در برابر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های مزدوران دشمن، مردانه استقامت می‌کردند. حضرت امام در یکی از نامه‌هایی که به آزادگان نوشت، این‌چنین فرمود:

از سلامت شما خوشحال و از خداوند تعالی خواستارم به‌زودی به وطن خود مراجعت نمایید. قلم من قاصر است که از دلاوری و بزرگواری شما عزیزان قدردانی نمایم. (همان: ۱۹ / ۴۱۷)

هرگاه سخن از شهادت و شهیدان به‌میان می‌آمد، امام از وصف آن اظهار ناتوانی می‌کرد و قلم خویش را در ترسیم وصف مقام ملکوتی و والای آنان، قاصر می‌دید و به تعبیر ایشان، «قلم که اینجا رسید، سر بشکست». (همان: ۱۸ / ۷۴)

امام علیه السلام در پیام‌های خود، قطره‌ای از دریای بیکران مقام معنوی شهیدان و احترام به منزلت شهید را با

خامه خویش می‌نگاشت و اشک شوق به لقاءالله را در دیدگان دلباختگان کوی دوست، جاری می‌ساخت. اینک نمونه‌هایی از پیام‌های حضرتش را در تجلیل از ارزش شهادت، مقام شهیدان و ایثارگران که شوق به جهاد و شهادت‌طلبی را در جامعه گسترش می‌داد، مرور می‌کنیم:

من شرمم می‌آید که خود را در مقابل این عزیزان سرشار از ایمان و عشق و فداکاری، به حساب آورم. آنان با عشق به خدای بزرگ، به معشوق خویش پیوستند و ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستیم. (همان: ۱۴ / ۳۱۰)

ما را چه رسد که با این قلم‌های شکسته و بیان‌های نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل‌الله جان خود را فدا کردند ... مطالبی نوشته یا سخنی بگویم و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلندپایه عزیزی است که برای اعلای کلمه الهی حق و دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی جانبازی نموده‌اند. الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مُظلم طبیعت به سوی حق تعالی و رسول اعظمش هجرت نموده و به درگاه مقدسش بار یافته‌اند، ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۹ / ۴۰)

نتیجه

حضرت امام خمینی علیه السلام رهبری ملت شریف ایران را در تمام بحران‌ها به‌دست گرفت و ملت ایران را در این مسیر، هدایت و رهبری کرد و با توجه به رابطه عمیقی که ایشان با مردم مؤمن و انقلابی داشت، باعث شد تا از همه بحران‌ها عبور کند. آن حضرت در حراست از میهن اسلامی، حتی یک گام به عقب ننشست و همان‌گونه که انقلاب اسلامی را با رهبری الهی - سیاسی خود به پیروزی رساند، دفاع مقدس را نیز با رهنمودها و فرماندهی خویش مدیریت کرد و آنچه حاصل شد، دستاوردی عظیم بود؛ چرا که در دویست سال اخیر، برای اولین بار ایران در جنگی نابرابر، حتی یک وجب از خاک خود را از دست نداد، از مستشاران خارجی کمک نگرفت و روی پای خود مردانه ایستاد و خود را به‌عنوان قدرتی که می‌تواند پشتوانه مستضعفان جهان باشد، تثبیت کرد.

راهبردهایی که حضرت امام در مدیریت دفاع مقدس به کار برد، به‌خوبی توانست این عرصه را راهبری کند. مهمترین راهبردهای ایشان در مدیریت دفاع مقدس، علاوه‌بر آگاهی از امور جنگ از کانال‌های رسمی و غیررسمی، نظارت بر عملکرد کارگزاران نظام در ارتباط با مسائل دفاع مقدس بود. ایشان تلاش نمود تا کارگزاران نظام جنگ را به‌عنوان اولویت اول توجه کنند و با توجه به اهمیت فضای رسانه‌ای، از آنها می‌خواهد تا مطلبی را در جهت تضعیف دفاع مقدس منتشر نکنند. ایشان همچنین تلاش می‌کند تا همه نیروها و عموم مردم را برای دفاع مقدس، سازماندهی مناسبی کند.

از راهبردهای دیگر حضرت امام برای مدیریت بهتر دفاع مقدس، مشخص کردن بخش‌های مختلفی بود که با دادن اختیارات به آنها، به‌خوبی مسائل مختلف جنگ را اداره کنند. ایشان همچنین بر این مطلب

تأکید داشتند که تصمیم‌گیری در امور جنگ، باید براساس تخصص باشد و کسانی که در این زمینه تخصص ندارند، در تریبون‌های عمومی اظهارنظر نکنند.

رهبر کبیر انقلاب با طرح عوامل داخلی که مانعی برای جبهه‌های جنگ بودند، به مقابله با آنها می‌پردازد. ایشان با بازداشتن نیروها از توجه به مسائل انحرافی، خنثی کردن فعالیت ستون پنجم و شایعات و نیز کم‌اهمیت جلوه دادن حوادث داخلی، سعی در تقویت جبهه‌های جنگ داشتند. البته ایشان، معنویت رزمندگان اسلام و نیز تأثیر آن بر پیروزی در دفاع مقدس را از راهبردهای مهم در این عرصه می‌دانستند.

منابع و مآخذ

۱. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ج ۱۰.
۲. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، امام خمینی علیه‌السلام و دفاع مقدس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، چ ۴.
۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۶.
۴. روزنامه رسالت، ۱۳۷۱/۶/۳۱.
۵. سامع، محسن، ۱۳۸۹، راز ماندگاری، اصفهان، آمیس.
۶. ستوده، امیرضا، ۱۳۷۸، پایه پای آفتاب، تهران، نشر پنجره.
۷. سفیری، مسعود، ۱۳۷۸، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها؛ گفتگو با هاشمی رفسنجانی، تهران، نشر نی.
۸. صلح‌جو، علی، آذر ۱۳۸۴، «استراتژی چیست؟»، ماهنامه امید انقلاب، سال ۲۵، ش ۳۶۱.
۹. فیروزآبادی، حسن، ۱۳۸۹، گنجینه دل؛ خاطرات سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۰. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۷۶، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی